

علل تطویل بحران داخلی در گرجستان پس از انقلاب رز

دکتر علی امیدی^۱

کشور گرجستان از زمان استقلال تاکنون یکی از مناطق ناآرام سیاسی جهان قلمداد می‌شود. این کشور با بحران‌های مختلفی شامل مشروعیت، کارآمدی و تجزیه طلبی روبرو است و تحولات اوت ۲۰۰۸ و تجزیه عملی ۲۰ درصد از خاک این کشور، آینده سیاسی آن را در حال‌های از ابهام قرار داده است. طی سه سال اخیر (۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹)، تظاهرات و اعتصابات پی در پی از سوی یاران دیروز و مخالفین امروز ساکاشویلی، گرجستان را در شرایط جدیدی قرار داده است و این سؤال توجه ناظران به تحولات قفقاز را جلب می‌نماید:

"چرا ناآرامی سیاسی در گرجستان ادامه دارد و این ناآرامی‌ها به کجا ختم می‌شود؟" مقاله حاضر در صدد است بر اساس یک مدل تئوریک چند متغیره به پرسش فوق پاسخ دهد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تنها با کناره گیری میخائیل ساکاشویلی از صحنه سیاسی گرجستان، دورنمای روشنی از آینده سیاسی این کشور ایجاد خواهد شد و سرکوب مخالفین تنها می‌تواند تأخیر در حل مشکلات این کشور ایجاد نماید.

واژگان کلیدی: گرجستان، بحران سیاسی، روسیه، آمریکا و تجزیه طلبی.

^۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

گرجستان جدید از جمله مناطقی است که از زمان استقلال (۱۹۹۱) تاکنون دچار بحران‌های عدیده داخلی و بین‌المللی بوده است. تا قبل از نوامبر ۲۰۰۳، بحران‌های این کشور بیشتر متأثر از جنبش‌های تجزیه طلب در آبخازیا و اوستیای جنوبی و حمایت روسیه از این جنبش‌ها بود؛ ولی بعد از انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۳، بحران مشروعیت سیاسی نیز به بحران‌های این کشور افزوده شد و گرجستان یکی از مناطق شدیداً بحرانی جهان محسوب می‌شود. (Crisis Group:2008)

بعد از انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۳ در گرجستان، "ائتلاف برای گرجستان نو" به رهبری ادوارد شوارد نادره و "ائتلاف تروئیکای گرجستان" شامل میخائیل ساکاشویلی، زوراب ژوانیا رئیس قلمی پارلمان و نینو بورجانادزه رئیس پارلمان (مثلث قدرت گرجستان) در مقابل یکدیگر قرار گرفتند. طبق آمار دولتی، نتایج شمارش آرا حکایت از پیروزی ائتلاف برای گرجستان نو می‌کرد، بدین گونه: حزب اتحاد رستاخیر به رهبری اصلان آباشیدزه رهبر آجاریا ۲۱٫۸٪، حزب گرجستان نو به رهبری ادوارد شواردنادره ۲۰٫۸٪، جنبش ملی گرا به رهبری میخائیل ساکاشویلی ۱۸٫۵٪، حزب کارگر به رهبری خانم نینو بورجانادزه ۱۱٫۶٪ و دموکرات‌ها به رهبری زوراب ژوانیا ۷٫۵٪ از آرا را کسب کردند. (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۶۱) با اعلام نتایج اولیه انتخابات، حدود ۱۵ هزار نفر از افراد گروه‌های مخالف به نتیجه اعتراض کرده و گروه حاکم و پیروز را به تقلب در انتخابات متهم کرده و از طریق "جنبش کمارا" سر به طغیان گذاشتند. آنها چند روز در مقابل ساختمان‌های دولتی از جمله ریاست جمهوری تجمع کرده و مردم را به مخالفت فراخوانده و به نیروهای ارتش و پلیس رز می‌دادند. در روز افتتاح مجلس در حالی که شواردنادره مشغول سخنرانی بود مخالفان به رهبری ساکاشویلی بدون مقاومت پلیس وارد مجلس شده و در نهایت شواردنادره مجبور به استعفا گردید و ائتلاف احزاب شکست خورده تحت عنوان "انقلاب رز" به پیروزی رسیدند. (ملکوئیان، ۱۳۸۶: ۲۴۳) اما این بحران در اینجا ختم نشد. میخائیل ساکاشویلی پس از پیروزی جنبش ملی، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ با اکثریت مطلق، به عنوان رئیس‌جمهور زمام امور کشور را به دست گرفت. ساکاشویلی که در آغاز، چهره محبوب گرجی‌ها بود و حتی او را به "جرج مقدس" نیز تشبیه می‌کردند، با وعده حل مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور، پا در سرای قدرت گرجستان نهاد. (صمدی، ۱۳۸۸: ایراس) وعده‌هایی که آن روز هم برای آگاهان مسائل پیچیده گرجستان به سهولت قابل تحقق به نظر

نمی‌رسید. در مارس ۲۰۰۴ نیز حزب ساکاشویلی موفق شد اکثریت کرسی‌های پارلمان را نیز بدست آورد و به این ترتیب قدرت در این کشور بصورت یکپارچه در اختیار ساکاشویلی قرار گرفت. در می ۲۰۰۵، جرج بوش رئیس جمهور وقت آمریکا از تفلیس دیدار کرد و این کشور را "مشعل آزادی"^۱ نامید. (bbc: 2009) اما این ایام به ظاهر خوش دیری نپایید و در اوت ۲۰۰۶، ائتلافی از احزاب مخالف گرجستان در بیانیه‌ای، سیاست‌های تمامت خواهانه ساکاشویلی را شدیداً نقد کردند و اقدام نظامی این کشور در کدوری گرجی^۲ را نکوهش کردند. آنها خواستار برکناری ساکاشویلی بصورت مسالمت آمیز شدند. (European Forum: 2006)

اما اعتصابات ضد حکومتی در سپتامبر ۲۰۰۷ وارد ابعاد گسترده‌ای شد. تظاهرکنندگان به رهبری "ایرکلی اوکرواشویلی" وزیر سابق دفاع، ساکاشویلی را به فساد و توطئه قتل مخالفین متهم کرد و تفلیس شاهد چندین روز تظاهرات و اعتصاب بود. (Krikorian:2007) کم کم به شدت اعتصابات افزوده شد بطوریکه پلیس با خشونت به اعتصابات پایان داد و وضعیت اضطراری اعلام نمود. (Washington Post:2007) چندین نهاد بین المللی مانند دیده‌بان حقوق بشر و گروه بحران بین المللی دولت گرجستان را به سرکوب شدید مخالفین و متمایل به تمامت خواهی متهم کرد. (bbc: 2009) در انتخابات ریاست جمهوری ژانویه ۲۰۰۸ ساکاشویلی مجدداً موفق شد با ۵۳ درصد آراء برنده شود و این امر با اعتراض مخالفین و اتهام تقلب در انتخابات مواجه شد. اما مخالفین دل به انتخابات پارلمانی بسته بودند. در می ۲۰۰۸، حزب حاکم مدعی پیروزی قاطع در انتخابات پارلمانی شد و مخالفین این ادعا را رد کردند و مدعی تقلب گسترده در انتخابات شدند. اما اعتراضات مردمی با بروز بحران در روابط تفلیس-مسکو در اوت ۲۰۰۸ بدنبال حمله نیروهای گرجی به اوستیای جنوبی برای مدتی فروکش کرد، ولی از اکتبر ۲۰۰۸ خانم نینو بورجا نادزه رهبری ائتلاف مخالفین رابعده گرفت و موج جدیدی از اعتراضات و راهپیمایی‌ها آینده سیاسی گرجستان را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. به رغم اینکه رئیس جمهور گرجستان طی دو سال گذشته چندین نخست وزیر عوض کرد ولی این از شدت نارضایتی‌ها نگاهیید و از آوریل ۲۰۰۹ گرجستان شاهد شدیدترین ناآرامی‌های سیاسی در تاریخ نوین خود بوده است. هر چند میانجی‌گران داخلی و بین المللی سعی در آشتی دادن مخالفین با دولت دارند ولی

¹. Freedom Beacon

². Kodori Gorge

مخالفین برگزاری انتخابات جدید و برکناری ساکاشویلی را تنها راه خروج از بحران ملی ارزیابی می کنند. (Kirtskhalia:2009)

این بن بست سیاسی کماکان ادامه دارد (Guardian:2009) و ساکاشویلی با متهم کردن مسکو در این ناآرامی‌ها، روسیه را سپر بلای مشکلات گرجستان کرده است. دولت همچنین با دستگیری رهبران مخالف و استفاده از زور سعی در مهار بحران دارد. (Reuters:2009) پرسشی که در این مقاله بررسی می شود این است که علل تطویل بحران داخلی در گرجستان چیست و آینده آن چگونه پیش بینی می شود؟

نظریه چرایی و چگونگی شکل گیری بحران سیاسی

واقعیت تاریخ این است که بروز تعارض همزاد یک جامعه سیاسی خصوصاً جوامع در حال گذار است و همزیستی گروه‌های سیاسی تحت شرایطی موجب تقابل آنها علیه یکدیگر می گردد. مهم این است که ساختار سیاسی بتواند این تعارضات را با جلب رضایت نسبی مخالفین کنترل نماید و از تبدیل آن به بحران جلوگیری نماید. در مورد علل پیدایی، رشد و چگونگی تبدیل تعارضات سیاسی به بحران سیاسی که ممکن است ابتدا به شکل تظاهرات و اعتصابات و سپس به ستیز و خشونت گراید و احیاناً در نهایت به فروپاشی نظام سیاسی مستقر بی‌انجامد، دیدگاه‌های متفاوتی عنوان شده‌است. ولی با توجه به پیچیده بودن پدیده‌های اجتماعی، منطقی این است که آنها بصورت مدل‌های چند متغیره مطالعه شوند. فلسفه اصلی استفاده از مدل‌های چند متغیره این است که پدیده سیاسی یک امر پیچیده است و نمی‌توان آن را بر اساس صرفاً یک متغیر مانند توطئه خارجی تبیین کرد و نوعی هم‌پیوندی بین متغیرهای اصلی شکل دهنده یک پدیده سیاسی اعم از داخلی و خارجی وجود دارد. (Harper:2008)

مسئله مدل، عمیقاً با مسئله ساده سازی در فرآیند نظریه پردازی در مورد امور سیاسی گره خورده است. در واقع ساده سازی شرط لازم و نقطه آغاز نظریه پردازی تلقی می شود. در فرآیند فوق، نظریه پرداز با کثرت متغیرها، کثرت واحدها و کثرت داده‌ها مواجه است. لذا گزینش در داده‌ها، واحدها و متغیرها شرط لازم برای نظریه پردازی است. با وجود اینکه اصول یا معیارهایی برای ساده سازی وجود ندارد، یک قاعده کلی حکم‌فرما است و آن اینکه اگر ساده سازی بیش از حد انجام گیرد، خطر تحریف موضوع وجود دارد. متقابلاً اگر

ساده سازی به اندازه کافی انجام نگیرد، نظریه پیچیده می شود و مدیریت علمی آن دشوار می گردد. دشوار به این معنا که نظریه نمی تواند کارکردهای خود، یعنی کارکردهای توصیفی، توضیحی و پیش بینی را انجام دهد. به عبارت دیگر، بدون ساده سازی برقراری رابطه همبستگی یا علت و معلولی بین متغیرها دشوار و حتی امکان ناپذیر می شود. هدف نظریه پردازی جستجوی علل وقوع حوادث است. از لحاظ علمی، نظریه پردازی دو فرآیند را در بر دارد که عبارتند از شناسایی عوامل موثر در شکل گیری تحولات سیاسی و کشف وزن نسبی آنها در وضعیت نهایی (همان). از این رو، مطالعه علمی تحولات سیاسی که دارای ابعاد داخلی و بین المللی است مستلزم واکاوی ابعاد زیر است:

(۱) حرکت از سطح خرد به سوی سطح کلان؛

(۲) حرکت دو جانبه و همزمان از درون به بیرون و از بیرون به درون؛

(۳) بررسی رابطه بین متغیرها به شکل پیوسته.

اما نکته حائز اهمیت این است که تمرکز روی وزن نسبی یک یا چند متغیر، نگرش ایستایی را از یک بحران سیاسی ارائه می دهد؛ این در حالی است که مهمترین خصوصیت بحران های سیاسی تحرک است. بحران سیاسی فرآیند پویایی است که وضعیت نهایی آن غیر قابل پیش بینی است. در حالی که به نظر می رسد آنچه که بیشتر مورد نیاز است کنش متقابل و اثرگذاری متقابل بین متغیرها در طول زمان و با در نظر گرفتن این امر است که خود متغیرها، چگونگی رابطه بین آنها، میزان اثرگذاری و میزان اثرپذیری ثابت نیست و با گذشت زمان متحول می شود. البته در تبیین پدیده های سیاسی نباید از عارضه " اثر پروانه ای " غافل بود.

با توجه به واقعیت فوق، در مقاله حاضر، با استفاده از آرای جوزف روتچیلد^۱، تد رابرت گار^۲ و چارلز تیلی^۳ یک مدل یا نظریه فراگیر در قالب پنج متغیر زیر برای تبیین علل تطویل بحران در گرجستان بعد از انقلاب رز ارائه می گردد:

- شرایط ذهنی بروز و تطویل بحران،

- شرایط عینی بروز و تطویل بحران،

- کارگزاران بروز و تطویل بحران،

1. Joseph Rothschild

2. Ted Robert Gurr

3. Charles Tilly

- عوامل بین المللی بروز و تطویل بحران،
- شرایط زمانی - جغرافیایی و شکل‌های بروز و تطویل بحران.

شرایط ذهنی بروز و تطویل بحران سیاسی

نوع نظام سیاسی (دمکراتیک و اقتدارگرا)، میزان مشروعیت آن، توافق روی قواعد بازی، چگونگی تعریف و تعیین اهداف ملی و نقش ملی، همگی در تلقی مقبولیت و مشروعیت سیاسی تأثیر دارند. تعریف اهداف ملی و راه‌های رسیدن به آن در نظام‌های سیاسی مختلف با یکدیگر تفاوت دارد. در نظام‌های اقتدارگرا، معمولاً منافع ملی با منافع افراد و گروه‌های حاکم یکسان تلقی می‌شود و از این رو این نوع حکومت‌ها حاضرند برای بقای خود منافع ملت را قربانی کنند. همچنین افرادی که در حکومت‌های اقتدارگرا در رأس دستگاه سیاست خارجی قرار می‌گیرند وفاداری آنها در وهله اول معطوف به گروه حاکم است سپس منافع ملت. کم و کیف فرایند تصمیم‌گیری در نظام‌های دمکراتیک هر چند طولانی است ولی پخته‌تر و محتاج به پشتیبانی ملت دارد (Gershman:2006) ولی در نظام‌های با رهبری فردگرا، به نظرات دیگران، خصوصاً گروه‌های مخالف اعتنایی نمی‌شود و کیش شخصیت، نظرات دیگران را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و مخالفین نیز سرکوب می‌شوند. (Rothschild,1979:1-20)

عوامل عینی بروز و تطویل بحران سیاسی

در اینجا، منظور از عوامل عینی، عملکرد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نظام سیاسی و میزان رضایتمندی مردم از سیاست‌های دولت است. آیا مردم تلقی مثبت از عملکرد دولت دارند یا نه. در اینجا شاخص‌های مختلفی چون عملکرد اقتصادی، میزان فساد، موفقیت‌های سیاست خارجی و غیره می‌تواند مد نظر قرار گیرد. (Rothschild,1979: 1-20)

تلقی نابرابری نسبی ممکن است کاملاً عینی و حقیقی نباشد، بلکه کاذب و اغراق شده باشد. این تلقی می‌تواند در ابعاد مختلفی مانند قوانین، سیاست‌ها، برنامه‌ها، ترتیبات ساختاری تبعیض‌گرایانه مثل حق مالکیت، حقوق مدنی، قشریندی در بازار کار و میزان مشارکت سیاسی گردد که شدت آن منجر به مطالبات سیاسی و عدم وصول آن به بحران سیاسی ختم می‌گردد.

نکته مهم این است که از لحاظ روانی، اعضای یک جامعه احساس کنند که در دستیابی به حقوق شهروندی خویش موقعیتی برابر با یکدیگر ندارند و به آنها ظلم و تبعیض شده است. هر چه یک نظام سیاسی در ایجاد تلقی برابری تخصیص منابع عملکرد موفق تری داشته باشد، وفاداری شهروندان نسبت به ساختار حاکم افزایش پیدا خواهد کرد. در غیر اینصورت، افراد دلیلی برای وفاداری خود به نظام سیاسی نمی‌بینند. عوامل عینی همچنین مبین این حقیقت هستند که تلقی محرومیت، نابرابری و تبعیض در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مهمترین بستر بروز کشمکش‌های سیاسی را فراهم می‌آورد. به نظر تد رابرت گار این حس محرومیت نسبی وقتی با پیدایش سازمان و آگاهی در میان فعالین سیاسی همراه می‌گردد، زمینه عمل سیاسی را در نزد آنها فراهم می‌آورد. (Ganguly, 1998:55-57)

کارگزاران بحران سیاسی (نخبگان و سازمان)

در هر جنبش سیاسی باید کارگزارانی باشند که هدایت و سکان‌داری نهضت را به عهده‌بگیرند و به آن سازمان بدهند. این افراد به صورت خودجوش یا بر حسب علایق سیاسی از درون نهضت برمی‌خیزند و یا خود ایجادکننده امواج سیاسی مبتنی بر خودآگاهی سیاسی هستند.

همانگونه که چارلز تیلی در نظریه انقلاب و شورش‌های اجتماعی معتقد است فرایند بسیج نیازمند رهبری و سازمان است. رهبران، اهداف جنبش را روشن می‌کنند؛ درباره شیوه برخورد با حکومت سازمان تشکیل می‌دهند؛ وضع موجود را براساس ایدئولوژی بسیج تحلیل می‌کنند یا تصویرری از جامعه بهتر ترسیم می‌نمایند و هواداران خود را متقاعد می‌سازند که جنبش پیروز خواهد شد. بدون رهبری، نارضایتی یک گروه سیاسی تنها می‌تواند به شورش بی‌انجام. مهم‌ترین وظیفه رهبری ایجاد یگانگی و سازماندهی است. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۸۹-۸۸)

عوامل بین‌المللی بروز و تطویل بحران سیاسی

یکی دیگر از عوامل بحران سیاسی در داخل کشورها را می‌توان در دخالت بازیگران بین‌المللی جستجو کرد. عوامل بین‌المللی آن دسته از متغیرهایی است که نسبت به کشور مورد مطالعه، خارجی محسوب می‌گردند. در هر دوره تاریخی، کشورهایی به عنوان ثقل قدرت قرار می‌گیرند و خواسته‌های خود را بر دیگران تحمیل می‌کنند. همچنین در هر دوره

تاریخی، ایدئولوژی‌های سیاسی و قواعد هنجاری - حقوقی مورد نظر مراکز ثقل قدرت تبلیغ می‌شود و سایر دولت‌ها تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. دولت‌ها در عرصه بین‌المللی معمولاً به دو دسته مخالف وضع موجود و موافق وضع موجود تقسیم می‌گردند. دولت‌های مخالف وضع موجود از نحوه ترتیبات بین‌المللی، تخصیص ارزش‌ها و جایگاه خود راضی نیستند و به چالش با آن می‌پردازند؛ معمولاً قدرتهای بزرگ دول ضعیف‌تر را به عنوان کارت چانه‌زنی یا مهره‌های شطرنج قربانی اغراض خود می‌کنند. از سوی دیگر، بسیاری از تحولات داخلی کشورها متأثر از تحولات بین‌المللی است که بین مراکز ثقل قدرت ایجاد می‌شود.

عوامل بین‌المللی می‌توانند نقش تسریع‌کننده در فرایند بحران سیاسی داخل یک کشور ایفا کند. اصولاً انگیزه‌های مختلفی در پس تعامل نیروهای بین‌المللی و بحران‌های سیاسی داخلی نهفته است. این انگیزه‌ها را می‌توان حول سه مقوله کلی تحلیل و بررسی کرد:

۱. انگیزه‌های ژئوپلیتیکی،

۲. انگیزه‌های امتیازگیری سیاسی،

۳. انگیزه‌های بشردوستانه.

شرایط زمانی، عاطفی و جغرافیایی بروز و تطویل بحران سیاسی و شکل‌های ظهور آن

قاعده کلی این است که به دلیل تضعیف قدرت دولت‌ها در زمان دوره گذار از یک وضعیت سیاسی به وضعیت دیگر و بحران‌های بزرگ سیاسی، آنها قادر به اعمال حاکمیت به نحو مؤثری نیستند. بنابراین عجیب نیست که بحران‌های سیاسی در جریان جنگ یا بلافاصله بعد از جنگ (داخلی و بین‌المللی)، حوادث طبیعی که امکان کنترل مؤثر را از دولت سلب می‌کند، مداخله یا تهاجم خارجی، درگیری‌های شدید سیاسی - به ویژه میان طبقات حاکم - و در جریان استحاله و جابجایی قدرت در عرصه بین‌المللی و جنگ‌های جهانی فرصت ظهور می‌یابند. در چنین وضعیتهایی (فرصت)، قدرت دولت مرکزی ضعیف می‌شود و گروه‌های سیاسی مخالف وضع موجود زمینه را برای چالش علیه دولت مرکزی مساعد می‌یابند. به عبارتی، معادله قدرت در چنین وضعیتهایی به نفع گروه‌های چالش‌گر تغییر می‌یابد. در این شرایط، ظرفیت چالش گروه‌های سیاسی علیه دولت مرکزی به نقطه اوج می‌رسد. (Tilly, 2009: 5-30)

البته حوادث تحریک کننده عواطف مانند قتل فعالین سیاسی (عمدی یا غیر عمدی)، قتل یا زندانی شدن رهبران دارای محبوبیت فراوان و سایر حوادث تحریک کننده عواطف ممکن است به بحران سیاسی دامن بزند.

از جهت جغرافیایی نیز بحران‌های سیاسی در مناطقی صورت می‌گیرد که گروه‌های چالش‌گر در برابر دولت مرکزی دارای عمق استراتژیک جغرافیایی باشند. این عمق استراتژیک می‌تواند شرایط توپوگرافیک منطقه و یا امکان فرار به کشورهای همسایه باشد. شکل‌های مختلف بروز یک بحران سیاسی می‌تواند به عوامل زیر بستگی داشته باشد: وضوح نسبی تفاوت شکاف سیاسی بین دولت و گروه‌های چالش‌گر، طبیعت مناقشه، توان نسبی و ایدئولوژی سازمان سیاسی، پس زمینه تاریخی خواسته‌های گروه‌های سیاسی، امکانات جغرافیایی و مادی برای رسیدن به چنین خواسته‌هایی، سطح محرومیت سیاسی (Rothschild, 1979: 1-20) از نظر شکل بروز، چهار شکل کلی امکان وقوع دارد:

۱. امتیازات سیاسی در بخش‌های مختلف قدرت اعم از اجرایی و قضایی،
۲. سرکوب شدید و خاموش شدن موقت بحران، ولی وجود آن بصورت آتش زیر خاکستر،
۳. واژگونی نظام سیاسی،
۴. جذب آرای انتخاباتی. (Tilly, 2009: 5-30)

بروز و تطویل بحران سیاسی گرجستان بعد از انقلاب رز

عوامل ذهنی

طبق نظرسنجی صورت گرفته در گرجستان، بسیاری از مردم این کشور به رئیس جمهور خود اعتماد ندارند. (ایراس: ۱۳۸۸/۴/۶) هر چند این نظرسنجی‌ها ممکن است با اغراض سیاسی همراه باشد یا به عبارتی نظرسازی باشد، ولی اگر احزاب سیاسی را آئینه نظرات مردم بدانیم اکثریت احزاب سیاسی (غیر از حزب حاکم) مخالف ادامه حکومت ساکاشویلی هستند.

از جهت ذهنی چهار مشکل اساسی در گرجستان بروز کرده است که حل آن تنها با خروج ساکاشویلی از قدرت سیاسی امکان پذیر است:

یکی اینکه، رهبران مخالف دولت، ساکاشویلی را فاقد مشروعیت سیاسی می‌دانند و معتقد به تقلبات گسترده در انتخابات هستند. "لوان گاچه چیلادزه"، رقیب اصلی رئیس جمهوری

کنونی گرجستان در انتخابات ۲۰۰۸ گفت: "نتایج رای گیری که ۵۳،۸ درصد آراء را به ساکاشویلی و ۲۸،۳ درصد آراء را به وی داده است «کلاهدرداری» است." (راديو فردا: ۱۶/۱۰/۱۳۸۶)

دوم اینکه، مخالفین معتقدند که ساکاشویلی دارای شخصیتی خودکامه و خود شیفته است و نمی‌توان با مذاکره و میانجی‌گری در شخصیت او تغییری بوجود آورد. ریزش تمامی نیروهای طرفدار او و تغییرات پی در پی مقامات عالی‌رتبه از شاخص‌های چنین شخصیتی است.

سوم اینکه، مخالفین معتقدند ادامه حیات سیاسی ساکاشویلی برای تمامیت ارضی گرجستان خطرناک است. تا موقعی که ساکاشویلی در رأس قدرت است، روس‌ها هیچ نرمشی از خود نشان نخواهند داد.

چهارم، ساکاشویلی شدیداً غربزده است و همه راه‌حل‌ها را در رابطه نزدیک با آمریکا، پیوستن به ناتو و سازمان‌های اروپایی جست و جو می‌کند. گرجی‌ها معتقدند که ۵ سال انتظار پشت دروازه اروپا و آمریکا هیچ گره‌ای از مشکلات حاد اقتصادی و امنیتی آنها نگشوده و ساکاشویلی به جای آن که برای مردم خود امنیت و آرامش بیاورد، با همراهی با آمریکا در عراق به دنبال کسب شهرت در فراسوی مرزها بوده است.

مخالفین همچنین معتقدند که ساکاشویلی دچار نوعی توهم‌گرایی شده است. او در پی تحقق یک نظام سیاسی ذهنی بوده است که نه گرجستان زمینه و بستر عینی آن را دارد و نه این که دولتمردان و کابینه جوان انقلاب رنگی تفلیس ابزار و امکانات آن را در دست دارند.

ساکاشویلی در گردش امور حکومت فقط به تشخیص فردی خود عمل می‌کند و همین منشأ تناقض اصلی در نظام سیاسی نوپایی شد که ادعای نماد دموکراسی بودن را در منطقه داشت. آن گونه که یک گزارشگر فرانسوی توصیف کرده است رهبر گرجی‌ها افزون بر خصیصه فرد‌گرایی، سیاستمداری توهم‌گرا در منطقه است (به نقل از: صمدی، ۱۳۸۸: ایراس). حتی دوستان سابق او مانند خانم "سالومه زورابیشویلی" وزیر خارجه سابق گرجستان، سیاست‌های غیر متوازن ساکاشویلی را در سیاست خارجی اینگونه به نقد می‌کشند:

"این را می‌دانم که قسمت اعظم مخالفان با غرب و اندیشه‌های سیاسی آن مخالف هستند... بسیاری از مردم گرجستان از غرب و دموکراسی به سبک آن دل خوشی ندارند و

خیلی مایل نیستند این راه را ادامه دهند بویژه بعد از اتفاقاتی (اوت ۲۰۰۸) که افتاده و شرایطی که پیش آمده است. متأسفانه آمریکایی‌ها حمایت از گرجستان را با کمک به ساکاشویلی اشتباه گرفته‌اند و همین مساله جمعیت زیادی از گرجی‌ها را مأیوس کرده، به همین دلیل است که گرجستان از آمریکا ناامید شده و تا حدود زیادی به اروپا دل بسته است." (روزنامه وطن امروز: ۱۳۸۸)

مخالفین معتقدند که باید راهی برای گفت‌وگو با روس‌ها پیدا شود. گرجستان نمی‌تواند به‌عنوان یک همسایه تقابل فعلی را با روسیه ادامه دهد. خانم زورابیشویلی می‌افزاید:

" ما کشور کوچکی هستیم و تبعات این تقابل برای ما بسیار گزاف خواهد بود، اما در مجموع این را هم فراموش نکنید که ارتباط ما با روسیه نباید به قطع یا تضعیف ارتباط با غربی‌ها منجر شود. گرجستان باید به همان روزهایی برگردد که من در دولت ساکاشویلی وزیر خارجه بودم. سیاست ما باید ارتباط با غرب و عادی‌سازی روابط با مسکو باشد والا این داستان هیچ راه دیگری نخواهد داشت." (همان)

از این رو، مخالفین تنها راه حل این مشکلات ذهنی را کناره‌گیری ساکاشویلی می‌دانند. تا موقعی که ساکاشویلی در رأس قدرت باشد این مشکلات نیز لاینحل باقی می‌ماند.

عوامل عینی

میخائیل ساکاشویلی پس از پیروزی جنبش ملی موسوم به رز و انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴، وعده حل و فصل مسائل و مشکلات عدیده کشور را داده بود. مهمترین مشکلات گرجستان را در سال ۲۰۰۴ که کم و بیش تا کنون ادامه دارد می‌توان در سه مقوله تقسیم کرد:

- مشکلات اقتصادی،

- مشکلات اداری و ساختاری،

- تجزیه طلبی (Brooking Report on Georgia: 2008)

از جهت اقتصادی، گرجستان شاهد رشد تدریجی در مقیاس تولید ناخالص ملی طی دوره اول ریاست جمهوری ساکاشویلی بود؛ بطوری که نرخ رشد اقتصادی این کشور در سال

۲۰۰۷ بالغ بر ۱۲/۴ درصد برآورد گردید. (IMF:October2008) ولی به موازات رشد اقتصادی، نرخ تورم و کسری بودجه نیز افسار گسیخته رشد داشته است. طبق آمارهای رسمی نرخ تورم در سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۱۱ درصد برآورد گردید. (همان) همچنین کسری بودجه این کشور در سال ۲۰۰۷ به بیش از ۲۲ درصد رسید که این ها حکایت از اقتصاد مریض این کشور دارد. (همان) جنگ محدود گرجستان- روسیه و همچنین اعتصاب سراسری در این کشور در نیمه اول سال ۲۰۰۸ شوک شدیدی بر اقتصاد تفلیس وارد آورد؛ بطوریکه نرخ رشد به ۳/۹ درصد در سال ۲۰۰۸ تنزل یافت (http://statistics.ge:A=2008) و نرخ سرمایه گذاری خارجی در فصل سوم سال ۲۰۰۸ به ۱۵۰ میلیون دلار تقلیل یافت؛ در حالی که در فصول اول و دوم ۲۰۰۸ به ترتیب ۴۳۰ و ۵۲۵ میلیون دلار تخمین زده شد. (http://statistics.ge:B-2008) از همه وحشتناک تر، نرخ بیکاری است که تازه در سال ۲۰۰۶ که سالی خوب برای دولت ساکاشویلی بود، حدود ۱۳/۶ درصد برآورد شد، در تفلیس این آمار بالای ۴۰ درصد و در شهرهای دیگر حدود ۲۵ درصد ارزیابی شد. قطعاً این رقم بدنبال بحران ۲۰۰۸ تشدید نیز یافته است؛ (http://statistics.ge:C-2008) زیرا کاهش سرمایه گذاری خارجی به معنی کاهش اشتغال است. طبق آمار بانک جهانی، در سال ۲۰۰۶ حدود ۳۶ درصد مردم گرجستان زیر خط فقر زندگی می کردند (World Bank: 2006)؛ که قطعاً این آمار در حال حاضر افزایش یافته است. کارشناسان معتقدند که کمک‌های خارجی غرب، اقتصاد گرجستان را طی یک سال اخیر سرپا نگه داشته است و چنین روندی رشد نارضایتی را در این کشور توجیه می کند.

مؤسسه فیچ اعلام کرد که جنگ اوت ۲۰۰۸ و بحران مالی جهانی، بازگشت اقتصاد گرجستان به وضعیت عادی را غیر ممکن ساخته است. (Fitch agency:2008)

تعدیل فساد اداری حاکم بر کشور و ایجاد اصلاحاتی چشمگیر در برخی قوانین و نهادهای دولتی همچون نیروهای انتظامی و قوه قضائیه می تواند به مثابه شاخص‌های مثبت کارنامه ساکاشویلی در حل مسائل اداری این کشور تلقی کرد. گزارش آژانس بین المللی شفافیت در سال ۲۰۰۸، گرجستان را در رده ۶۷ از ۱۸۰ کشور جهان قرار داد که این جایگاه مثبتی برای این کشور محسوب می شود. (Transparency International: 2008)

دولت ساکاشویلی توانست با اصلاح قوانین کار، صدور مجوز ساخت و ساز و سرمایه گذاری و مالیات اصلاحاتی در اداره کشور بعمل آورد. (World Bank: 2008) همچنین،

دولت ساکاشویلی توانست تمایلات استقلال طلبانه آباشیدزه در آجاریا را در همان اوایل به قدرت رسیدن سرکوب نماید و این امر از موفقیت‌های بارز کارنامه زمامداری این مرد به حساب می‌آید. این کامیابی‌ها هرچند به نوبه خود اهمیت زیادی دارند و حتی موضوع برخورد با پدیده فساد اداری در گرجستان موجبات خرسندی و تشویق نهادهای بین‌المللی درگیر در این مسأله را نیز فراهم آورد، اما مشکلات فراتر از این‌ها بود و دامنه وعده‌های رئیس‌جمهور گرجستان گستره‌ای به مراتب پهناورتر را در بر می‌گرفت. بروز جلوه‌هایی از مناسبات خویشاوندی و غلبه روابط بر ضوابط در فرآیند خصوصی سازی مؤسسات بزرگ اقتصادی از مصادیق مهم این ناکامی و یا به سخنی دیگر بازگشت نشانه‌هایی از فساد اداری و مالی گسترده پیش از انقلاب رز بود. بخش بزرگی از اعتراضات مخالفین گرجستان نیز معطوف به این پدیده و رویش دوباره فساد اداری و نابرابری در توزیع فرصت‌ها بود. بر این مسأله، تورم چشمگیر و افزایش مستمر هزینه‌های زندگی را باید افزود که خود از تبعات گذار گرجستان از سیستمی با اقتصاد دولتی و بسته به نظام سرمایه داری آن هم از نوع لجام گسیخته آن بود. (صمدی، ۱۳۸۸: ایراس)

مهمترین کارنامه منفی ساکاشویلی، بحران جدایی طلبی در جمهوری‌های خودخوانده آبخازیا و اوستیای جنوبی است. ساکاشویلی علی‌رغم اتخاذ رویکردی مبارزه جویانه و قاطع در این بحران، نه تنها توفیق عملی چندانی در آنچه خود آن را بازگرداندن یکپارچگی و تمامیت ارضی کشور می‌خواند به دست نیاورد بلکه با تشدید این تمایلات و هم‌سویی و اتحاد رهبران مناطق جدایی طلب فوق نیز مواجه شد و در نهایت در اوت ۲۰۰۸ حدود ۲۰ درصد خاک گرجستان از تمامیت ارضی گرجستان تجزیه شدند. (رستمی: ۱۳۸۸)

بی‌کفایتی در پایان دادن به اشغال بخشی از خاک گرجستان توسط ارتش روسیه و آغاز جنگی بی‌ثمر با روس‌ها با تهاجم ۸ اوت سال ۲۰۰۸ ارتش گرجستان به جمهوری جدایی طلب اوستیای جنوبی و آبخازیا به علاوه بدتر شدن وضعیت معیشتی مردم در چند سال اخیر از دلایل اصلی مخالفان برای کناره گیری ساکاشویلی از قدرت است.

با توجه به واقعیت‌های فوق، به نظر می‌رسد ساکاشویلی که زمانی با پیروزی بر اصلان آباشیدزه، رهبر آجاریا و متحد کردن این جمهوری خودمختار به گرجستان، به یمن حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا و همکاری سیاسی کرملین محبوب‌ترین مرد گرجی بود این روزها در مسیر قهقرا قرار گرفته است.

کارگزاران

در حال حاضر معجونی از شخصیت‌های سیاسی شامل ایرکلی اوکرواشویلی وزیر سابق دفاع، سالومه زورابیش‌ویلی وزیر سابق خارجه، لوان گاچه چیلادزه نامزد ریاست جمهوری و نینو بورجانادزه رئیس پیشین پارلمان گرجستان صحنه گردان اصلی تظاهرات هستند که هر چهار نفر با غرب و بویژه با اتحادیه اروپا رابطه خوبی دارند. جالب آنکه هر چهار نفر از نزدیک ترین متحدان ساکاشویلی بودند که در سال ۲۰۰۳ انقلاب موسوم به رز را رهبری کرده‌اند. (European Forum: 2009)

بنابراین، مهم ترین مخالفان اخیر رئیس جمهور گرجستان، متحدان و نزدیکان دیروز وی می‌باشند. برکناری سالومه زورابیش‌ویلی وزیر خارجه گرجستان در اواخر سال ۲۰۰۵ میلادی سرآغاز تحولی بود که نشان دهنده بروز اختلاف نظری اساسی در رویکرد سیاست خارجی گرجستان در بین هیأت حاکمه ی کشور بود. زورابیش‌ویلی رابطه نزدیکی را با طرف‌های غربی داشته و از محبوبیت ویژه‌ای در بین مردم به ویژه جوانان برخوردار است. او یکی از موثرترین چهره‌های فعال در اعتراضات اخیر مخالفین گرجستان است. ورود رسمی ایراکلی اوکرواشویلی وزیر سابق دفاع گرجستان به عرصه سیاست و اعلام تشکیل حزب "جنبش گرجستان متحد" نقطه عطفی در مبارزات سیاسی داخلی گرجستان بود که نطفه مناقشات و تحولات اخیر این کشور را در خود پروراند. اوکرواشویلی که متحد سابق رئیس جمهور محسوب می‌شد و حتی در مناقشات اوستیای جنوبی و دستگیری جاسوسان روس، رویکردی به شدت افراطی و منازعه جویانه با کشور همسایه شمالی داشت. از این به بعد تحولات در گرجستان با سرعتی بیش از انتظار گسترش یافت و با ائتلاف احزاب ده گانه به تجمع بزرگ دوم نوامبر ۲۰۰۷ در خیابان روستاولی انجامید و این تحركات تا هفتم نوامبر چنان اوج و عمقی یافت که رئیس جمهور جوان کشور را به اعلام وضعیت فوق العاده ۱۵ روزه در گرجستان واداشت.

نینو بورجانادزه، رئیس سابق مجلس ملی گرجستان و رهبر کنونی حزب "جنبش دموکراسی گرجستان واحد"، نیز یکی دیگر از بازیگران است که تظاهرات اعتراض آمیز احزاب مخالف دولت را در چارچوب قانون اساسی و منافع ملی کشور خوانده است. با ادامه بحران، به ساکاشویلی توصیه کرد تا دیر نشده از سمتش کناره‌گیری کند. او گفت: "من هیچ امکانی برای روندی مثبت در جهت مذاکره با دولت نمی‌بینم، چرا که "میخائیل ساکاشویلی

" حتی در حالیکه کشور در بحران سیاسی جدی بسر می‌برد، تقریباً در گرجستان حضور ندارد". (رستمی: ۱۳۸۸)

" لوان گاچه چیلادزه"، یکی دیگر از رهبران مخالف دولت گرجستان است که معتقد است میخائیل ساکاشویلی برای تغییرات جدی آماده نیست، به همین دلیل به نظر او تظاهرات مخالفان با درخواست برکناری وی، ادامه خواهد داشت و بسیار شدیدتر از قبل خواهد شد. گاچه چیلادزه اظهار داشت: "وی (ساکاشویلی) نسبت به عقاید مخالفین، درک کاملاً متفاوتی از اوضاع ایجاد شده در کشور دارد... مبارزه ما باید تقویت شود و بسیار شدیدتر از قبل گردد." (خبرگزاری فارس: ۱۳۸۸/۰۳/۲۰)

لوان گاچه چیلادزه، رقیب اصلی رئیس جمهوری کنونی گرجستان نیز معتقد است که ساکاشویلی با کلاهبرداری به قدرت رسیده است. (راديو فردا: ۱۳۸۶) غیر از افراد و تشکل‌های سیاسی که در بالا ذکر شد تقریباً تمام احزاب و افرادی که در انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی ۲۰۰۸ به عنوان رقیب ساکاشویلی و حزب تحت رهبری او (جنبش متحد ملی) بودند و طبق آمار دولتی شکست خوردند به جمع ناراضیان ساکاشویلی پیوستند و اعتصابات علیه او را رهبری می‌کنند.

هر چند ساکاشویلی برای رسیدن به توافق با مخالفان خود برای مذاکره اعلام آمادگی کرده است اما مخالفان می‌دانند کنار آمدن با ساکاشویلی به معنای تداوم مشکلات با روسیه است که با همه امکانات خود سعی دارد به سقوط دولت ضد روسی ساکاشویلی کمک کند. بنابراین همکاری با ساکاشویلی نوعی خودکشی سیاسی محسوب می‌شود. همانطور که گفته شد مخالفان ساکاشویلی بیش از آنکه طرفدار روسیه باشند گرایش‌های ملی و تا حدودی غرب‌گرایانه متمایل به اتحادیه اروپا دارند. به همین دلیل است که آمریکا نمی‌تواند از به قدرت رسیدن احتمالی مخالفانی که رهبری تظاهرات را به عهده دارند ناراضی باشد. (بهشتی پور، ۱۳۸۸)

عوامل بین‌المللی

روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا مهمترین بازیگران بین‌المللی بحران گرجستان محسوب می‌شوند. شاید به جرأت بتوان گفت مهمترین حادثه بین‌المللی بعد از ۱۱ سپتامبر و سقوط طالبان و صدام، بحران قفقاز است که در نهایت منجر به جنگ محدود بین

روسیه و گرجستان در اوت ۲۰۰۸ گردید. بحران قفقاز از این جهت اهمیت دارد که تبدیل به محل زورآزمایی دو قطب قدرت رقیب گردیده است و نظم کنسرتی بین‌المللی که طی دو دهه بر روابط بین‌الملل بعد از فروپاشی شوروی حاکم بود را به چالش می‌کشد. تحولات اخیر و قدرت‌نمایی روسیه نشان از این دارد که مسکو از این پس قصد دارد جلوی توسعه‌طلبی غرب را در کسوت ناتو یا نهادهای مشابه دیگر در حوزه ژئوپلیتیکی خود به هر وسیله ممکن بگیرد. (امیدی، ۱۳۸۷: ۶۸-۵۸)

از نظر ژئوپلیتیک، جغرافیای محوری قفقاز یک فرصت استراتژیک در اختیار کرملین قرار می‌دهد؛ چرا که قفقاز منطقه‌ای است که شرق را به غرب و شمال را به جنوب متصل می‌کند و به روشنی نشان می‌دهد که تسخیر این منطقه چگونه باعث سایه افکنی روسیه بر سراسر منطقه آسیای مرکزی و حتی خاورمیانه می‌شود. از این منظر جنگ قفقاز، روند بازگشت مجدد روسیه به سطوح فوقانی هرم قدرت در جهان را تسریع می‌کند و این به معنای ایفای نقش فعال‌تر روسیه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی است. بیرون کردن آمریکا از اوراسیا، تقسیم اروپا، توافق با ترکیه، کنترل کامل منطقه قفقاز و همکاری با ایران از جمله اهداف هم‌پیوند روسیه با گرجستان و منطقه قفقاز جنوبی می‌باشد. (Boonstra:2008)

به نظر می‌رسد که اقدام شدید روسیه در اوستیای جنوبی، پاسخی است به توسعه‌طلبی غرب به رهبری آمریکا در عرصه سنتی نفوذ مسکو. بعد از فروپاشی شوروی، مسکو در دهه اول با گرایش‌ات مفرط غرب‌گرایانه می‌خواست شریک قدرت غرب در مناسبات بین‌المللی باشد، ولی مرور زمان این تصور را برای رهبران ملی‌گرای روسیه پدید آورد که غرب، روسیه قدرتمند را تحمل نمی‌کند. از این رو تلاش آمریکا خالی کردن عرصه نفوذ روسیه از حوزه سنتی ژئوپلیتیک روسیه و در صورت ممکن تجزیه آن بود. بنابراین روسیه می‌خواهد با قدرت‌نمایی، غرب را وادار به شناسایی منزلت و تفوق خود حداقل در حوزه پیرامونی این کشور نماید. (بازتوف، ۱۳۸۸: سایت ایراس)

امریکا برای خنثی‌سازی مطامع بلند دامنه روسیه در حوزه خارج نزدیک و تحدید سیاست خارجی تهاجمی آن به حضور در قفقاز جنوبی نیاز دارد. بنابراین یکی از اهداف اولیه آمریکا پایان دادن به حضور نظامی روسیه در گرجستان است. اما واقع امر آن است که واشنگتن نمی‌تواند بطور مستقیم روسیه را زیر فشار قرار دهد. در سوی مقابل، تنها مسئله‌ای که روسیه از آمریکا می‌خواهد به رسمیت شناختن حوزه‌های نفوذ این کشور به ویژه در

حوزه "خارج نزدیک" است. اما پذیرفتن این شرط مسکو از سوی واشنگتن بسیار بعید بنظر می‌رسد، چرا که حوزه های نفوذ روسیه ارتباط مستقیمی با منافع امریکا دارند. (همان) در این میان، گرجستان به ریاست ساکاشویلی قربانی اصلی زورآزمایی دو مرکز ثقل قدرت بین‌المللی است و تمامی شواهد از بازندگی قطعی دولت ساکاشویلی در این بحران دارد. رویکرد سیاسی مسکو در خصوص ساکاشویلی چنان منفی است که رهبران روسیه از واژه "جنایتکار" در توصیف ساکاشویلی و دولت او استفاده می‌کنند. در این خصوص، دمیتری مدودف، رئیس جمهور روسیه، در مصاحبه با کانال تلویزیونی مرکزی چین اظهار داشت: "روسیه در صورتی که دولتی جدید در گرجستان بر سر کار بیاید، آماده خواهد بود به مذاکره با این کشور بازگردد. به عقیده ما این رژیم سیاسی جنایت‌هایی انجام داده است و ما با وی هیچ نقطه مشترکی نداریم. اما پس از برگزاری زود هنگام یا دیر هنگام انتخابات در گرجستان، اگر مردم گرجستان دولتی را انتخاب کنند که بتواند با روسیه و همسایه‌های نزدیکش همچون اوستیای جنوبی و آبخازیا گفتگوهای دوستانه داشته باشد، ما نیز آماده خواهیم بود که در مورد مسائل مختلف با گرجستان گفتگو کنیم." (ایراس: ۱۳۸۸/۳/۲۷)

هر چند غرب نیز از طریق انجام مانور نظامی مشترک، سفر مقامات عالی‌رتبه به تفلیس و گفتگو با مخالفان ساکاشویلی و ارسال انواع کمک‌های نظامی و اقتصادی سعی در سرپا نگهداشتن دولت ساکاشویلی دارد، ولی موافقان و مخالفان دولت ساکاشویلی بخوبی می‌دانند که نه روسیه از مواضع خود در قفقاز عقب نشینی خواهد کرد و نه غرب حاضر است وارد مخاطره نظامی با روسیه بخاطر گرجستان شود. این امر مستمسک سیاسی قابل قبولی است که مخالفان ساکاشویلی علیه او استفاده می‌کنند و بسیاری از مردم گرجستان نیز این حقیقت را پذیرفته‌اند. همانگونه که یکی از فعالین سیاسی گرجستان بنام مراب چکاشویلی می‌گوید:

"هر آدم عاقلی می‌دانست که جنگ با روسیه وحشتناک خواهد بود، حالا او باید نتایج آن (کنار کشیدن از قدرت) را هم تحمل کند." (Collin: April 2009) عامل دخالت نیروهای خارجی و به طور مشخص روسیه، آمریکا و اتحادیه اروپا در سال‌های پس از استقلال گرجستان، در تعیین حاکمان این کشور نقش کلیدی داشته‌اند. امروز هم اگر ساکاشویلی حمایت آمریکا و اتحادیه اروپا را از دست داده باشد به دلیل آنکه در حال حاضر از نفوذ کمی در بین مردم برخوردار است و به احتمال زیاد مجبور به کناره‌گیری خواهد

شد. زیرا می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که آمریکا و اتحادیه اروپا در یک معامله اعلام نشده بر سر کنار رفتن ساکاشویلی با روس‌ها به توافق رسیده باشند. اما اگر حمایت تیم اوپاما و اتحادیه اروپا از ساکاشویلی ادامه یابد بعید است تظاهرات کنونی به جایی برسد.

عوامل زمانی، جغرافیایی و عاطفی

از جهت زمانی و جغرافیای باید گفت که تمامی جمهوری‌های سابق شوروی از جمله گرجستان، مصداق جوامع در حال گذار تلقی می‌شوند. جوامع در حال گذار شدیداً مستعد بی‌ثباتی هستند و سرعت تحولات در آنها چشمگیر است. خصوصاً این مسئله برای گرجستان بیشتر صدق می‌کند؛ زیرا در این کشور بسترهای دموکراسی ایجاد شده است و نظام سیاسی کمتر مستعد استفاده از خشونت علیه مخالفین است. از این رو مشاهده مکرر ناآرامی سیاسی در این کشور امر غیر عادی تلقی نمی‌شود. ناآرامی سیاسی درست زمانی در گرجستان تشدید شده است که این کشور با تجزیه عملی بخشهای زیادی از سرزمین خود و تهدید خارجی مواجه شد. از اینرو، میزان تسلط دولت مرکزی در این شرایط بر اوضاع تقلیل یافته است و منابع کشور بجای کاهش نارضایتی‌ها، صرف مقابله با تهدید خارجی می‌شود.

از جهت جغرافیایی نیز، وجود مناطقی چون آبخازیا، اوستیا و اساساً همسایگی با روسیه، عمق استراتژیک مناسبی برای مخالفین ایجاد کرده است و این امر توجیه کننده ادامه ناآرامی سیاسی در این کشور خواهد بود. هرچند مخالفین هرگونه رابطه‌ای را با مسکو رد می‌کنند و دولت نیز دائماً مخالفین را آلت دست مسکو معرفی می‌کند.

از جهت عاطفی نیز، قتل و یا فوت افرادی چون "زوراب ژوانیا" و "بادری پاتارکاتسیشویلی"، انگشت اتهام را متوجه ساکاشویلی کرده است. هر چند نمی‌توان این اتهامات را ثابت کرد، ولی مخالفین توانسته‌اند از آن بعنوان ابزاری جهت بسیج مردم علیه ساکاشویلی استفاده نمایند. ایراکلی اوکراشویلی وزیر سابق دفاع گرجستان و یکی از رهبران مخالف دولت، ساکاشویلی را متهم به قتل "زوراب ژوانیا"، اولین نخست‌وزیر بعد از انقلاب رز نمود که پس از حدود دو سال کم‌کم به فراموشی سپرده شده بود. او مدعی شد ژوانیا در جایی دیگر به قتل رسیده و پیکر وی به آپارتمان مسکونی وی منتقل شده و تمامی ادعاهای بعدی مبنی بر مسمومیت ناشی از بخاری گازی صحنه سازی‌های تیم ساکاشویلی است. (صمدی، ۱۳۸۸: ایراس)

افزون بر این اتهام، اوکراشویلی برنامه ریزی و دستور قتل بادی پاتارکاتسیشویلی میلیاردر معروف گرجی و صاحب تلویزیون ایمدی این کشور را هم یکی دیگر از اتهامات رئیس جمهور دانست. (همان) هنوز یک روز از این مواضع جنجالی وزیر دفاع سابق نگذشته بود که نیروهای امنیتی گرجستان ایراکلی اوکراشویلی را به اتهام ارتکاب جرایم مختلف مالی از قبیل پول شویی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی و غیره دستگیر کردند. این عمل دولت در برابر مخالفین، مواضع آنها را پیش مردم متقاعد کننده ساخته است.

نتیجه گیری

ریشه های تداوم بحران داخلی در گرجستان را بر اساس چارچوب نظری می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

مخالفین دولت گرجستان معتقد به تقلب گسترده در انتخابات ۲۰۰۸ ریاست جمهوری و پارلمان هستند و دولت ساکاشویلی را غیرقانونی تلقی می کنند. از سوی دیگر، تجزیه ۲۰ درصد از خاک این کشور، ضربه روحی شدیدی بر مردم گرجستان وارد کرده و بسیاری از مردم سیاست های ناپخته رئیس جمهور خود را علت آن می دانند. از نظر مخالفین، دولت موجود اساساً فاسد و ناتوان است؛ در نتیجه نمی تواند بطور بنیادی با فساد اداری و اقتصادی کشور مبارزه کند. نتیجتاً مشکلات شدید اقتصادی و اداری گرجستان بر اساس مدیریت موجود لاینحل باقی خواهد ماند. از سوی دیگر، بین واقعیات موجود و انتظارات ایجاد شده در انقلاب رز فاصله شدیدی وجود دارد. تقریباً تمامی احزاب سیاسی، غیر از حزب حاکم، مخالف وضع موجود هستند و ناآرامی داخلی در این کشور دارای تشکیلات و رهبران مناسب برای پیشبرد بسیج سیاسی است.

از جهت بین المللی نیز، روسیه هیچ انعطافی نسبت به حکومت ساکاشویلی نشان نمی دهد و مخالفین تنها راه حل خروج از بن بست سیاسی بین تفلیس - مسکو را کناره گیری ساکاشویلی ارزیابی می کنند. با توجه به گرایشات غرب گرایانه مخالفین، غرب نیز بعین نیست در نهایت با کناره گیری ساکاشویلی موافقت نماید. البته در حال حاضر قرائن حاکی از حمایت غرب از ادامه قدرت ساکاشویلی دارد.

با توجه به شرایط جغرافیایی و در حال گذار بودن نظام سیاسی و اقتصادی این کشور و رویداد تلخ اوت ۲۰۰۸، شرایط زمانی و جغرافیایی به نفع مخالفین پیش می رود. با توجه به دلایل فوق، تحولات گرجستان به صورت زیر پیش بینی می شود:

- حکومت ساکاشویلی تا ۲۰۱۳ از طریق سرکوب مخالفین و حمایت شدید غرب به حیات سیاسی خود ادامه دهد.
- ساکاشویلی با برگزاری انتخابات زودرس موافقت نماید،
- نظام سیاسی این کشور با یک انقلاب رنگی دیگر سرنگون شود.

با توجه به قرائن موجود، نگارنده مقاله حاضر بیشتر گزینه اول را پیش بینی می نماید.



منابع و مأخذ

۱. امید، علی (۱۳۸۷)، "ابعاد بین المللی بحران گرجستان و آثار آن بر منافع ملی ایران"، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره ۱۱-۱۲ (پیاپی ۲۵۲).
۲. امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، "تحلیل ژئوپلیتیکی تحولات گرجستان پس از ۱۱ سپتامبر"، افسانه انقلاب‌های رنگی، به کوشش الهه کولایی، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۳. ایراس (۶ تیر ۱۳۸۸)، "بی‌اعتمادی ۹۰ درصد مردم گرجستان به ساکاشویلی"، خبر شماره 7290- IRN، در: www.iras.ir
۴. ایراس (۱۶ خرداد ۱۳۸۸)، "تأکید دولت گرجستان به عدم تسلیم در برابر فشار مخالفین"، خبر شماره 7062- IRN از: www.iras.ir
۵. ایراس (۲۷ خرداد ۱۳۸۸)، "تأکید مدویدیف بر عدم گفتگو با گرجستان"، خبر شماره 7204- IRN از: www.iras.ir
۶. بارنوف، آندری (۷ اردیبهشت ۱۳۸۸)، "امریکا و گرجستان؛ راهبرد مشترک"، از: www.iras.ir
۷. بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، "انقلاب و بسیج سیاسی"، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. بهشتی پور، علیرضا (۲۳ فروردین ۱۳۸۸)، "تلاش مخالفان ساکاشویلی برای تغییر دولت در گرجستان"، در: <http://beheshtipour.blogfa.com/post-134.aspx>
۹. خبرگزاری فارس (۱۳۸۸/۳/۲۰)، شماره خبر: ۸۸۰۳۲۰۷۸۳، در: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8803200783>
۱۰. رادیو فردا (۱۳۸۶/۱۰/۱۶)، در: http://www.radiofarda.com/content/f3_Georgia_election_OSCE/429102.html
۱۱. رستمی، خیرگرد (۳ اردیبهشت ۱۳۸۸)، "اوضاع پیچیده گرجستان"، از: <http://www.jamejamonline.ir/>
۱۲. صفرزاد، داریوش (۱۳۸۶/۸/۲۷)، "نگاهی به ریشه‌های بروز بحران اخیر در جمهوری گرجستان: جنبش بزرگ گرجی‌ها"، روزنامه ایران، صفحه دیپلماتیک، شماره ۳۷۸۹.
۱۳. صمدی، مهین‌السادات (۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸)، "گرجستان، انقلاب مخملی نخ‌نما"، از: www.iras.ir
۱۴. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۶)، "انقلاب‌های رنگی در آسیای مرکزی و قفقاز و تمایز آن از انقلاب‌های واقعی"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، ش ۴.

۱۴. وطن امروز (۳۰ خرداد ۱۳۸۸)، "مردم گرجستان از آمریکا ناامید شده‌اند"، از:

<http://www.islamtimes.org/vdcf.mdviw6d1vgiaw.html>

15. BBC, Timeline of Georgia (2009), at:

http://news.bbc.co.uk/2/hi/europe/country_profiles/1102575.stm.

16. Boonstra ,Jose(2008), "**Georgia and Russia: a short war with a long aftermath**", at: www.fride.org/section_all/29/www.expansion.com.

17. Brookings Report (2008), "**The Political Crisis in Georgia: Prospects for Restoration**", at:

www.brookings.edu/~media/...georgia/20090617_georgia.pdf.

18. Collin ,Matthew (April 08, 2009), "**Georgia's thorny 'Rose Revolution'**", at:<http://english.aljazeera.net/focus/2009/04/20094891324643524.html>.

19. Crisis Group' Report on Georgia(2008),at

<http://www.crisisgroup.org/home/index.cfm?id=1250>.

20. European Forum (12 May 2009), "**Saakashvili meets with opposition leaders**", at: www.europeanforum.net/.

21. European Forum (1 Aug 2006), "**Georgia's opposition parties issue statement on events in Kodori Gorge**", at:

http://www.europeanforum.net/news/178/georgia_s_opposition_parties_issue_statement_on_events_in_kodori_gorge.

22. Ganguly ,Rojat(1998), "**Why do Ethnic Groups Mobilize**" in Ray Taras (ed.), National Identities and Minorities in Eastern Europe ,London: MacMillan Press.

23. The Guardian (2009), "**Saakashvili: Georgia resists Moscow-inspired unrest**", at:<http://www.guardian.co.uk/world/2009/mar/29/georgia-russia-tbilisi-utsnobi>.

24. Gershman ,John (February 3, 2006), "**Democracy and the Making of Foreign Policy**", at:<http://www.fpif.org/fpifxt/3103>.

25. Harper, Douglas(2008), "**Theory**" at Online Etymology Dictionary, in: <http://www.etymonline.com/index.php?term=theory>.

26. IMF (October 2008), "**World Economic Outlook Database**", at: <http://www.imf.org>.

27. Kirtskhalia, N. (4 June 2009), "**Radical Opposition of Georgia Waiting for Concrete Proposals on New Round of Talks with Authorities**", the Journal of Turkish Weekly. in: <http://www.turkishweekly.net/news/79573/-radical-opposition-of-georgia-waiting-for-concrete-proposals-on-new-round-of-talks-with-authorities-.html>.

28. Krikorian ,Onnik(November 7,2007), "**Georgia's end of a fairy tale?**", at: <http://globalvoicesonline.org/2007/11/07/georgia-end-of-a-fairy-tale/>

29. Precizmadia (07 November 2007), "**Unrest in Tbilisi; State of Emergency in Georgia**", at: <http://futurehistorylessons.blogspot.com/2007/11/unrest-in-tbilisi-state-of-emergency-in.html>.

30. Rothschild ,Joseph (1979), "Ethno politics: A Conceptual Framework" , NewYork: Columbia University Press.
31. Statistical Yearbook of Georgia (2008)-A, "Gross Domestic Product and Other Indicators of National Accounts for 2008, III quarter(Preliminary)", at: <http://statistics.ge/main.php?pform=184&plang=1>.
32. Statistical Yearbook of Georgia (2008)-C, "Distribution of Population age of 15 and older by economic status in urban and rural areas", at: http://statistics.ge/_files/english/labour/new/2_eng.xls.
33. Tilly, Charls(1978), " From Mobilization to Revolution" , New York: Columbia University Press.
34. Tilly, Charls (2009), " Social Movements", 1768-2008, 2nd edition ,Lesley Wood.
35. Transparency International (2008), "Corruption Perception Index 2008", at: http://www.transparency.ge/index.php?lang_id=ENG&sec_id=142.
36. Washington Post (November 13, 2007), "Crisis in Georgia", at: <http://www.washingtonpost.com/wpdyn/content/article/2007/11/12/AR2007111201549.html>.
37. The World Bank (2006), "Economic Development and Poverty Reduction", Program progress report, at: [http://siteresources.worldbank.org/INTPRS1/Resources/Georgia_2APR-PRSP\(Sept1-2006.pdf\).pdf](http://siteresources.worldbank.org/INTPRS1/Resources/Georgia_2APR-PRSP(Sept1-2006.pdf).pdf).
38. The World Bank Group (2008), "Doing Business 2008", at: http://www.doingbusiness.org/documents/FullReport/2008/DB08_Full_Report.pdf



پښتونستان د علومو او مطالعاتو د پوهنتون
پرتال جامع علومو د پوهنتون